



پست، پست تصویری بایستی در کتابخانه‌ها به کار گرفته شود. ضرورت وجود چنین مراکزی در شهرها و استانهای کشور دیرپا زود مسجل خواهد شد. اگر کتابخانه‌های عمومی بتوانند همپای شرایط و نیازهای زمان چنین نیازهایی را برآورده سازند جایگاه اصلی خود را در پیشرفت جامعه حفظ و ارتقاء خواهند بخشید و الا بایستی منتظر تولد رقیبانی باشند که رقابت با آنها در توان کتابخانه‌های عمومی نخواهد بود.

علی میرزایی

سرمدیر مجله دانشمند

- به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟
- کتابخانه عمومی محل گذران سالم و پربرابر اوقات فراغت است؛
- کتابخانه عمومی وسیله روزآمد نگاه داشتن دانش مردم است؛
- کتابخانه عمومی محل انتقال اطلاعات است؛
- کتابخانه عمومی ارتباط جامعه استفاده کننده خود را با تحولات فرهنگی، سیاسی، علمی و فنی و اقتصادی جهان برقرار نگاه می‌دارد؛
- کتابخانه عمومی محل حفظ و اشاعه فرهنگ مکتوب جهان است؛
- و در ایران، کتابخانه عمومی محل خواندن درس و انجام تکالیف مدرسه است!

— برای توسعه فرهنگی چه تعریفی دارید؟

— سخن گفتن از توسعه فرهنگی به صورت مجز و فارغ از توسعه در عرصه‌های دیگر، بی معناست. هرگاه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی محقق شود، توسعه فرهنگی نیز زمینه و میدانی برای عرض وجود و بالندگی پیدا می‌کند. بنابراین، در جوامعی که به فقر تغذیه، فقر آموزش ابتدایی و متوسطه و عالی، فقر بهداشت و درمان، فقر تولید، فقر وضع مدیریت دچار هستند، و در جوامعی که با تحولات اقتصادی، سیاسی، علمی و فنی جهان امروز بیگانه‌اند، سخن گفتن از توسعه فرهنگی گزافه و

● هرگاه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی محقق شود، توسعه فرهنگی نیز زمینه و میدانی برای عرض وجود و بالندگی پیدا می‌کند.

● توسعه فرهنگی مرحله عالی توسعه جامعه است.

بی معناست.

توسعه فرهنگی پدیده‌ای جدا از توسعه سایر مقوله‌ها نیست، اما مرحله‌ای عالی از فرایند عمومی توسعه است. هرگاه از نظر اقتصادی و اجتماعی توسعه یافته شویم، به مرحله‌ای می‌رسیم که مرحله توسعه فرهنگی است. البته منظورم این نیست که مراحل توسعه، منظم و مرتب پشت سر هم دیگر قرار گرفته‌اند، و توالی از پیش تعیین شده‌ای را دنبال می‌کنند، ولی توسعه فرهنگی — به معنای آکادمیک و امروزی‌اش — نمی‌تواند مقدم بر توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی باشد.

توسعه فرهنگی مرحله تولید انبوه خدمات و کالاهای فرهنگی است؛ مرحله دستیابی آزاد و فراوان به دستگاههای فرهنگی است؛ مرحله‌ای است که تکنولوژیهای فرهنگی در خدمت وسیعترین گروههای انسانی قرار گیرد، کم و کیف دستیابی انسان به فرهنگ و محصولات فرهنگی را ارتقاء بخشد؛ مرحله وجود امکانات لازم و کافی برای تجلی استعدادهای فرهنگی است؛ مرحله تعالی شاخصهای فرهنگی است؛ مرحله تولید انبوه اطلاعات است؛ مرحله مبادله آزاد اطلاعات است؛ مرحله زیاد خواندن و خوب خواندن است؛ مرحله‌ای است که کسی برای کسی «قرنطینه فرهنگی» ایجاد نکند؛ مرحله آزادی خلاقیت هنری و فرهنگی است؛ مرحله قایل شدن صلاحیت و حق انتخاب شیوه تأمین نیازهای فرهنگی است؛ مرحله... و اینها همه در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که توسعه فرهنگی پیدا کرده است، یا در آن مسیر گام برمی‌دارد. و باز اینها اتفاق نمی‌افتد مگر جامعه‌ای به توسعه اقتصادی و اجتماعی رسیده باشد. در غیر این صورت، فقط می‌شود به «میراث فرهنگی» دلخوش بود!

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد، آن تأثیر چیست و چگونه جلوه گر می‌شود؟

— بله، دارد! ولی به این شرط که حلقه‌ای از زنجیر بلند توسعه و تحولات جامع جامعه باشد. وگرنه، می‌شود محل ملاقات دوستان یا یکدیگر؛ می‌شود محل خواندن درس و انجام تکالیف مدرسه؛ می‌شود محل فرار از سرمای خانه در زمستان، گریز از گرمای خانه در تابستان؛ می‌شود محل آمدن از خانه بیرون و ساعتی را دور از اتاقهای ۳×۴ که ۵-۶ نفر در آن زندگی می‌کنند گذراندن؛ می‌شود جایی که در آن می‌توان برای آینده دوستی پیدا کرد؛ و نهایتاً محلی که داستانهای مشهور قدیمی (کلبه عمو توم، بینوایان، برباد رفته، سرگذشت، و...) را در آنها خواند، و کنجکاوای خود را در این مورد که آثار صادق هدایت آیا خواننده را به مرز خودکشی می‌برد یا نه، ارضاء کرد!

بهتر است به جای اینکه بگوییم کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی نقش دارد یا ندارد، بگوییم که کتابخانه عمومی، خود نشانه‌ای است از توسعه فرهنگی، ولی کدام کتابخانه عمومی؟ کتابخانه عمومی زنده و شاداب، با فضای مناسب، با کتابهای

جدید، با آخرین مجله‌ها و روزنامه‌ها، با بهترین صفحه‌ها و نوارها که می‌توان به امانت گرفت یا در همان محل نشست و شنید، با کتابدارانی دلسوز و علاقه‌مند و متخصص. چنین کتابخانه‌ای، هم ثمره توسعه فرهنگی است، و هم توسعه فرهنگی را گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌کند.

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— قبلاً عرض کردم که توسعه فرهنگی مرحله عالی توسعه جامعه است. ما نه در «توسعه» جامعه به این مرحله عالی رسیده‌ایم، و نه کتابخانه‌های عمومی ما، از نظر کمی و کیفی، در وضعیتی هستند که بتوانند سهم و نقشی در توسعه فرهنگی پیدا کنند. ما فعلاً راهی دراز در پیش داریم. ولی تا آن روز می‌توانیم کتابخانه عمومی داشته باشیم.

کتابخانه عمومی، یکی از دهها رسانه فرهنگی است، ولی مشکلاتش مشابه تمامی رسانه‌های فرهنگی کشورمان است. حل این مشکلات، مستلزم اعمال مدیریت صحیح بر امر فرهنگی است. البته روی سخن بنده با هیچ «مدیری» نیست، وقتی که می‌گویم «مدیریت» منظوم شبکه‌ای از مدیران است که سیاست‌گذاری می‌کنند، تصمیم‌های مهم را می‌گیرند و تخصیص منابع مالی و مادی و انسانی را عهده‌دارند. عمده‌ترین کاری که این مدیریت باید بکند هدف‌گذاری است. یعنی مشخص کند که مثلاً در پایان ده سال آینده می‌خواهد چند کتابخانه عمومی و با چه کیفیتی از منابع و مدارک داشته باشد. از نیروی انسانی چه انتظاری دارد، و برای برآورده شدن این انتظارات چه می‌خواهد بکند. می‌بینید که وارد مبحث «برنامه» شده‌ایم، و برنامه موقعی اجرا می‌شود که منابع لازم تأمین شود. و باز همه اینها در گرو تغییر نگرش مدیران سطح اول کشور نسبت به تأمین نیازهای فرهنگی کشور است. ما زیباترین حرفها را در مورد امور فرهنگی می‌زنیم، ولی این حرفها، باید تبدیل به برنامه و فعالیت بشود. برای اجرای این برنامه‌ها و فعالیتها باید منابع مالی و منابع فیزیکی و منابع انسانی لازم را، تحت فرمان مدیریتی شاداب و آگاه و قوی، بسیج کنیم. بر اجرای برنامه باید نظارت جدی — و بدون تعارفات معمول — بکنیم. به بیان دیگر، ما برای اصلاح امور فرهنگی و برای تأمین نیازهای فرهنگی جامعه، و از میان برداشتن خلأهای موجود، و برای ارتقاء بخشیدن به شاخصهای فرهنگ جامعه‌مان (که متأسفانه از استانداردهای متعارف جهانی بسیار پایین‌تر هستند؛ نمونه‌اش همین کم و کیف کتابخانه‌های عمومی) نیاز به حرکتی وسیع داریم که اولین گام آن خارج شدن از وادی «حرف» و ورود به عرصه «عمل» است، و دومین گام، داشتن برنامه، و سومین گام، اجرای این برنامه است، و در اجرای برنامه، نخستین قدم، تأمین منابع لازم است.

